

هجوم جهان مدرن به شعر

گفت‌وگو با عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌سرا

کمیتر کسی هست که به موسیقی علاقه‌مند باشد و خط سیر ترانه‌هایی را که در سال‌های اخیر در دو حوزه موسیقی اصیل ایرانی و موسیقی پاپ گفته شده‌اند، دنبال نکند. عبدالجبار کاکایی اگرچه سال‌هاست به شکل جدی در دو حوزه شعر و ترانه فعالیت دارد و آثار متعددی در این حیطه‌ها ارائه کرده است، اما ترانه‌های او با صدای خوانندگان محبوبی چون فریدون آسرایی، محمد اصفهانی، نیما مسیحا، رضا صادقی، محسن یگانه، علیرضا افتخاری، مجید اخشابی و... به گوش مخاطبان آشناست. این شاعر و ترانه‌سرا معتقد است؛ در این سال‌ها سرودن ترانه و غزل را هم‌دوش یکدیگر پیش برده و برای انتخاب مضامین هر کدام از اشعار و ترانه‌هایش به مختصات اجتماعی نظر داشته است. با این شاعر نام‌آشنا درباره این مسئله که امروز شعر معاصر در کدام نقطه ایستاده و شاعران جوان چقدر توانسته‌اند به جای حدیث‌نفس‌گویی به انعکاس رویدادهای اجتماعی در اشعارشان بپردازند، به گفت‌وگو نشستیم.

آزاده صالحی
روزنامه‌نگار

که خود شاعری کلاسیک‌سرا بود، در روزنامه «قرن بیستم» نخستین دفاع خود از نیمارا انجام داد. در همان زمان که شعر نیمایی به تدریج رشد می‌کرد و مورد شناخت قرار می‌گرفت، در حوزه تصنیف نیز تحولاتی در حال جریان بود. از آنجایی که تصنیف به خاطر ماهیتی که داشت، همواره در خدمت عامه مردم بود، کلام بامفهومی نداشت و اغلب تصنیف‌سرایان هم در تذکره‌های ادبی جایی نداشتند، شاعرانی چون علی اکبرخان شیدا، ملک‌الشعرا بهار، میرزاده عشقی، علی اکبردهخدا و... تحولات تازه‌ای را در این زمینه ایجاد کردند. به طوری که دیگر برای سرودن تصنیف، از مصرع‌های کوتاه استفاده می‌شد. نمونه آن تصنیف معروف «مرغ سحر» است: «مرغ سحر ناله سر کن / داغ مرا تازه‌تر کن».

از سوی دیگر، همان‌طور که اشاره کردم، کتاب‌های شعری در ایران ترجمه می‌شد که نشان از آن داشت، شعر دیگر به روال کلاسیک از تساوای هجاها پیروی نمی‌کند. اگرچه پرویز ناتل خانلری بر این باور بود: جمله‌ای که وزن نداشته باشد، شعر نامیده نمی‌شود، اما بنا به ضرورت و تحولات زمانه، قالب‌های نیمایی و بعد از آن سپید و آزاد رشد کردند و شاعران مختلفی در هر کدام از این قالب‌ها به سرودن آثار ماندگاری پرداختند.

با این اوصاف؛ دخل و تصرف در قالب‌های کلاسیک از سوی شاعران معاصر به اصالت و ماهیت این قالب‌ها لطمه‌ای وارد نمی‌کند؟

خلاصه می‌شد، او معتقد بود: «من واحد انتقال شعر را از بیت به بند تبدیل کرده‌ام.» تا پیش از نیما، در ابیات شعری، نظم وجود داشت و شاعران به‌هنگام سرودن شعر، باید تا آخر شعر، قافیه را حفظ می‌کردند. مهدی اخوان‌ثالث به شوخی مثالی می‌زند و می‌گوید: اگر بخواهم از قالب نیمایی بهره ببرم، باید بگویم: «دوتا گنجشک نشستند روی شاخه سدر کهنسالی.» ولی اگر بخواهم یک شعر کهن بگویم، می‌شود: «دوتا گنجشک که بالی خوب دارند و چه خوش‌بالی / نشستند روی شاخ سدر کهنسالی».

درست است که شاعرانی چون فریدون توللی و حمیدی و امثال آنها حرکت‌هایی که نیما در شعر شروع کرده بود را تمسخر کردند، با این حال، نیما در کتاب «حرف‌های همسایه» و دیگر آثارش، استدلال‌های محکمی را ارائه کرد و تئوری‌هایی که از سوی او مطرح شد، باعث شد شعر نو به تدریج در محافل ادبی پذیرفته شود. تا جایی که میرزاده عشقی

شما شاعری بوده‌اید که در طول سال‌های فعالیت‌تان در این حیطه، همیشه برای سرودن شعر، قالب‌هایی چون مثنوی و غزل را انتخاب کرده‌اید؛ این در حالی است که هر وقت صحبت از این دو قالب شعری می‌شود، مردم سراغ دیوان شاعران کلاسیک می‌روند. با این حال، شاعران معاصر از جمله خود شما باروی آوردن به قالب‌های کلاسیک و حرکت‌های نوجوانانه در این قالب‌ها چقدر توانسته‌اند جایگاه خود را نزد عامه مردم تثبیت کنند؟

نیاز به سرودن شعر در قالب‌های دیگر مسئله امروز نیست، این احساس نیاز از اواخر دوره مشروطیت در جامعه ادبی ایران شروع شد. اگرچه تغییر مسیر بعضی از شاعران برای عدول از قالب‌های شعر کلاسیک، در ابتدا با تمسخر از سوی عده‌ای از روشنفکران مواجه شد. چنان‌که ایرج میرزا در این ارتباط می‌گوید: «می‌کنم قافیه‌ها را پس و پیش / تا شوم نابغه دوره خویش».

بهرغم تمام تمسخرهایی که در این زمینه صورت گرفت، رفته‌رفته حرکت جدی در تغییر قالب‌های شعری به وجود آمد. هر چند ما اولین حرکت‌های نوآورانه در این زمینه را با ورود نیما به شعر می‌دانیم، اما پیش از او هم تک‌وتوک شاعران دیگری چون جعفر خاмене به تحول در شعر روی آورده بودند و سعی داشتند در این زمینه کارهایی انجام دهند. اما نیما در این بین توانست تئوری‌های موفقیت‌آمیزتری را درباره شعر نو ارائه دهد. فلسفه نیما در این ارتباط در یک جمله

با سکوت حرف می‌زنم



■ نوشته:
عبدالجبار کاکایی
■ نشر: علم
■ سال انتشار: ۸۷
■ صفحه ۲۵۸

این مجموعه شعر عبدالجبار کاکایی به دو بخش تقسیم شده است، بخش نخست، ترانه‌های کاکایی را در برمی‌گیرد و بخش دوم به اشعار او اختصاص یافته است. شاعر در این کتاب، ضمن این که ترانه را از شعر متمایز ساخته است، در هر دو حیطه، هم اشعار و هم در بخش ترانه‌ها، از عنصر ایهام استفاده کرده است. چندان که عنوان کتاب هم از این عنصر برگرفته شده است.

با تو این ترانه‌ها شنیدنی است



■ نوشته:
عبدالجبار کاکایی
■ انتشارات: فصل
■ پنجم
■ سال انتشار: ۱۳۹۴
■ صفحه ۱۵۲

اشعار این کتاب در قالب چهارپاره سروده شده‌اند. اگرچه کاکایی به تبع دیگر مجموعه اشعارش، در این کتاب نیز گوشه چشمی به قالب نیمایی داشته است؛ به طوری که در بین بعضی از این اشعار، ترانه‌های نیمایی نیز به چشم می‌خورد. همچنین جوهره شعری بارزی در این اشعار جلوه‌گری می‌کند. مضامین این اشعار عمدتاً اجتماعی هستند و به مضامین روز جامعه اشاره دارند.

حق با صدای توست



■ نوشته:
عبدالجبار کاکایی
■ انتشارات: تکا
■ سال انتشار: ۸۶
■ صفحه ۲۴۴

عبدالجبار کاکایی در کتاب «حق با صدای توست» گزیده‌ای از شعرهای خود را که در قالب نیمایی، سپید، غزل، چهارپاره، دوبیتی پیوسته، مثنوی و ترانه هستند، در معرض دید مخاطب قرار داده است. مضامین اغلب این شعرها عمدتاً مذهبی و عاشقانه است. همچنین بخشی از اشعار این کتاب با موضوع دفاع مقدس به رشته تحریر درآورده شده است. قصه دیروز، با صدای پای او، سمفونی خلیج فارس، فصل غریب، رقص تیغ، اشک‌های روشن و... بعضی از اشعار این کتاب است.

